

بسم الله الرحمن الرحيم

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۳۵۴.۵-۸

رده بندی کنگره - ۹۴۱۳۸۸ ب ۸۲ ز/۸۱۵۱ pir

رده بندی دیویی ۸۶۲ / ۸ فا ۸

شمار کتاب شناسی ۱۹۴۳۴۰۶

بهار

توسل و نفرین

۱ فهرست - مقدمه و آشنایی و حمد

۲ - دزد - تصادف

۳ - اشتباه - بیصاری - علامه

۴ - خانه

۵ - سردرد - سرفقت

۶ - نکاح - ارث

۷ - سرهنگ - قصه

۸ - جهاز - بیماری

۹ - ارث - مهندس

۱۰ - رضیت بانگه - شیخ بهایی

۱۱ - سید ساجدی - جهاز چاووشی

- ۱۱- اولاد- دادگاه - غیبت- مرض - دندان - طفل- مریض..... ۱۹
- نفرین ۲۰
- ۱۱- سارق - تصادف ۲۰
- ۱۲- ارد - همسایگی ۲۲
- ۱۳- شراب - دقایق ۲۳
- ۱۴- زه - سارق ۲۴
- ۱۵- جفا - پهلوی ۲۵
- ۱۶- عابد - من ۲۶
- ۱۷- اسیر - اسائنل ۲۶
- ۱۸- بیماری - طب ۲۷
- ۱۹- اسراف دیلم ۲۸
- ۲۰- ماشین - پرخوری ۳۱
- ۲۱- زن تنها - بیوه ۳۱
- ۲۲- خودی - جفا - قرض ۳۲
- ۲۳- پهلوی - گلستان - بستگان ۳۴
- ۲۴- مظلوم - رئیس ۳۵
- ۲۵- شهادت - کارگر ۳۶
- ۲۶- غرور ۳۷
- ۵۲- صمد - معتاد - مادر ۴۶
- ۵۳- سلطان ابد - حرب ۴۷
- ۵۴- دختر - تصادف ۴۸

- ۵۵ - پدر - سفره ۴۹
- ۵۶ صاحب رساله ۶۰
- ۵۷ - دختر - اصحاب ۶۱
- ۵۸ - سه برادر - نارفیق ۵۳
- ۵۹ - مور ۵۵
- ۶۰ - آباء ۵۶

آشنایی با نویسنده در ایران

نویسنده و شاعر آقای مهرداد مهر آبادی در سال ۱۳۳۶ در شیراز بدنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در اذربایجان طی کرد سالی که کوه را در مراغه و آذر شهر و اردبیل گذراند و سپس همراه خانواده به شیراز و سپس اجداد خود بازگشت و همچنان شش ابتدایی و دوره دبیرستان را گذراند .

سپس به خدمت سربازی رفت و بعد در رشته ریاضی و فیزیک دانشگاه پدیرفته شد و حدود دو سال در آن رشته تحصیل نمود اما پس از آن به علم علاقه مند شد و به ادبیات به این رشته رو آورد و تحصیلات خود در زمینه ادبیات را به مرحله کارشناسی و لیسانس ادبیات رساند . پس از آن به شدت در زمینه های مختلف ادبی و دینی مشغول کار شد و برای اتمامین معاش شغل مقدس معلمی را برگزید .

نویسنده برای حل معضلات خانوادگی و رفتاری و اخلاقی و اجتماعی توجه به ادبیات و مذهب و یا فرهنگ اصیل و ریشه دار را ضروری میداند.

بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه بهار ۴

الحمد به اولی که آغاز	نبود به جزا و ندارد انباز
پیچیده صحیفه بشر را	دستار بلند راز در راز
روح و جسد این دو یار ناجور	کرده است قرین و جفت و دمساز
از عشق نهاده بر دل خلق	از خاک نهاده میل پرواز
جمعی به عبادتند مشغول	جمعی به گناه و رقص و آواز
باز تو شمع و با تو مشغول	برگشتن ما بسوی تو باز
مهر تو توئیم و بندگانیم	پس سفره عفو خویش کن باز

پروردگارا ملت ها به این عشق تو ملحوظند و به دست حفاظت تو محفوظ ، کارهای بزرگ و عظیم نزد تو کوچک که تو نگاشته است پس بر ما و ملت های دنیا درهای سعادت گشوده دار .
ما را باغهای عبودیت بنما و از اثمار آن بهمان شاشانه آئیم و مجذوب نه با کراهت و مقضوب .
هر چه تو تمامی ما ناتمام در پیش کمال و جمال تو کمال و جمال همه جهان چه قدری دارد که منشاء و موجد آن توئی و این همه اعتباری است و تالیله ندارد . پس ما را ببخشای و جامه مغفرت ببوشان .

ما را وعده نهر غسل و شیر و شراب و آب فرمودی امانا و صدقنا آئیم و چه ما سجده ملائک اکرام فرمودی طمع افزودیم و گفتیم ارحمنا و تفضل علینا ! بهشت تو ندیدیم و تصدیق کردیم و گناه ما دیدی و تصدیق نفرمودی گفتمی : انی اعلم ما لا تعلمون .
خوبان را ما خود داشتی و بدان را ملحوظ .